

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره یکم، بهار ۱۳۹۱

نگاهی توصیفی به وضعیت ترجمه و تألیف ادبی در نظام چندگانه ادبی ایران

در دهه ۱۳۸۰

علی خزاعی فرید (دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد)

khazaefarid@ferdowsi.um.ac.ir

نسرین اشرفی (دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول)

n_ashrafi87@yahoo.com

چکیده

در این مقاله قصد داریم تا با استفاده از نظریه نظام‌های چندگانه، جایگاه ادبیات ترجمه‌شده و تألیفی را از حیث کمی مقایسه کنیم. پژوهش حاضر در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ و در حوزه ادبیات داستانی صورت گرفته است. در این تحقیق، پس از بررسی آمار چاپ تألیف و ترجمه، به این نتیجه دست یافتیم که تعداد کتاب‌های ترجمه‌شده بیش از آثار تألیفی است. به گفته اون زوهر این موضوع نشانگر جایگاه مرکزی ترجمه در نظام ادبی چندگانه ایران است. هرچند چرایی این مسئله خود موضوع بحثی کیفی است، اما به اعتقاد نویسندگان این مقاله، با توجه به فرضیه‌های اون زوهر می‌توان به این نتیجه رسید که بحرانی مداوم گریبان‌گیر نظام ادبی ایران است که از سال‌ها پیش آغاز شده است.

کلیدواژه‌ها: نظام‌های چندگانه، جایگاه مرکزی، جایگاه حاشیه‌ای (پیرامونی)، بحران مداوم، ادبیات ترجمه‌شده.

۱. مقدمه

در عصر حاضر، ترجمه به مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباط بین‌فرهنگی، توجه همگان را در حوزه نظریه‌پردازی و نیز در حوزه عمل به خود معطوف داشته است. در دهه‌های اخیر، بحث‌های نظری ترجمه آن قدر اهمیت پیدا کرد که ترجمه نه تنها به عنوان رشته‌ای مستقل به وجود آمد (هلمز، ۱۹۸۸)،

بلکه به حوزه‌های گوناگون فرهنگی (بست و لغور، ۱۹۹۰)، سیاسی (نونوتی، ۱۹۹۲) و اجتماعی (ولف، ۲۰۰۷) نیز کشیده شد. ماهیت چندزبانی و بین‌رشته‌ای مطالعات ترجمه فرصتی را فراهم می‌آورد تا با دیدی وسیع‌تر به موضوع ترجمه بنگریم و اهمیت و تأثیر آن را از ابعاد مختلف بررسی کنیم.

در مقایسه با ترجمه سایر متون، ترجمه ادبی از حیث تأثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. نقش ترجمه ادبی در اعتلای فرهنگی و ادبی جامعه برکسی پوشیده نیست. شگفتی نیز ندارد که بیشتر نظریه‌هایی که در باب ترجمه ارائه شده، در حوزه ترجمه ادبی بوده است. با روی کارآمدن رویکردهای توصیفی و راه‌یابی مطالعات فرهنگی به حوزه مطالعات ترجمه، توجه به روابط پویا و متقابل در فرایند ترجمه و نقش ترجمه ادبی در شکل‌دهی به هویت ملی افراد جامعه بیش از گذشته مورد توجه محققین قرار گرفت (الیس و براون، ۲۰۰۱؛ اون زهر، ۲۰۰۸؛ کرونین، ۲۰۰۶). برای نخستین بار، ایتمار اون زوهر (۱۹۷۸) نگاه نظام‌مند به فرایند ترجمه در قالب نظریه نظام‌های چندگانه را در مطالعات ترجمه مطرح کرد. این نظریه از آن پس به‌عنوان مدلی برای تحقیق در نظام‌های ادبی جوامع گوناگون به‌کار گرفته شد.

اگرچه از یک‌سو، ظهور نظریه‌های گوناگون بین‌رشته‌ای اعم از فرهنگی و اجتماعی و از سوی دیگر، انتقادهای صاحب‌نظران این مدل را بارها دستخوش تغییر کرد، اما با گرایش آن به سمت مطالعات فرهنگی، این نظریه همچنان الگویی کارآمد برای مطالعه و تحقیق در نظام‌های چندگانه جامعه است.

با توجه به دشواری بررسی همه آثار تألیفی و ترجمه در نظام ادبی یک کشور در تمامی ادوار تاریخی، بنا بر این شد که نظام ادبی کشور در بازه زمانی محدودی مطالعه شود. میرعابدینی (۱۳۸۰) با تأکید بر اهمیت مطالعه ادبیات براساس دوره‌های تاریخی می‌گوید:

ادبیات، تألیف و ترجمه در هر یک از این دوره‌ها، با توجه به روان‌شناسی اجتماعی چهره بر زمانه و افق معنایی پیش روی روشنفکران، رنگ و بوی خاص خود را می‌یابد. نحوه نگاه هر نسل به واقعیت و ادبیات متأثر از نحوه زیست آن نسل است. با تغییر نحوه زیست و نحوه نگاه، طرز تلقی نویسندگان از وظیفه ادبیات نیز تغییر می‌کند (ص. ۲۶۰).

به عقیده میرعابدینی (۱۳۸۰) همین تغییرات است که ما را به مطالعه ادبیات براساس دوره‌بندی‌های تاریخی وا می‌دارد. در این مقاله می‌کوشیم تا با استفاده از نظریه نظام‌های چندگانه اون زوهر که رویکرد آن به مطالعات ترجمه، توصیفی است و نیز بررسی کمی ترجمه‌ها و تألیف‌های چاپ‌شده در حوزه ادبیات

داستانی در طول ۱۰ سال متوالی (۱۳۸۹-۱۳۸۰)، جایگاه ترجمه و تألیف را در این نظام، مشخص و تفسیر کنیم.

۱.۱. رویکرد توصیفی به مطالعات ترجمه

همان‌طور که اشاره شد، رویکرد نظریه‌ی نظام‌های چندگانه‌ی اون زوهر به مطالعات ترجمه، توصیفی است. رویکرد توصیفی تحت‌تأثیر صورت‌گرایان روس و در واکنش به نظریه‌های تجویزی زبان‌شناختی به مطالعات ترجمه راه یافت. به‌طور کلی، در نتیجه‌ی آرای صورت‌گرایان روس، سه جریان عمده به‌وجود آمد که هر کدام شالوده‌ی مکتبی را شکل دادند. نخستین جریان به شکل‌گیری مکتب زبان‌شناسی پراگ و لایپزیگ انجامید. جریان دوم، مکتب تل‌آویو و رویکرد توصیفی به ترجمه را به‌وجود آورد و سومین جریان، مکتب هلند بود. شکل‌گیری مطالعات ترجمه و ورود آن به دانشگاه‌ها و نیز رویکرد توصیفی به ترجمه، حاصل مناظره‌های متفکران این سه مکتب بود (پیم، ۲۰۱۰).

هلمز^۱ محور اصلی رویکرد توصیفی در مطالعات ترجمه را توصیف، تبیین و پیش‌بینی کردن پدیده‌ی ترجمه دانست. پس از هلمز، گیدئون توری (۱۹۹۵) تحت‌تأثیر اون زوهر و نظریه‌ی نظام‌های چندگانه، مدل وی را از حیث نظری و روش‌شناختی بازبینی کرد و مواردی را به آن افزود. توری بر این باور بود که ترجمه، اثری متعلق به فرهنگ مقصد است و باید آن را به‌مثابه‌ی متنی مستقل از متن اصلی بررسی و ارزیابی کرد. به‌نظر وی، برای توصیف و تبیین درست هر ترجمه باید جایگاه ترجمه در نظام ادبی فرهنگ مقصد و نقش و کارکرد آن در فرهنگ و نظام ارزشی-اجتماعی جامعه‌ی مقصد را مبنای کار قرار داد. نظریه‌ی ماندگار هنجارهای ترجمه^۲ تحت‌تأثیر همین رویکرد مقصدمدار شکل گرفت. براساس این نظریه، مترجمان همواره تحت‌تأثیر هنجارهایی قرار دارند که فرایند ترجمه را از انتخاب متون گرفته تا استراتژی‌های مترجم و بازار ترجمه کنترل می‌کند. این هنجارها تابع زمان و مکان هستند (برونلی، ۲۰۰۸). توری نگاه بی‌طرفانه‌ی محقق ترجمه را لازمه‌ی مطالعات توصیفی می‌داند؛ اما بسیاری آن را غیرممکن می‌دانند و به آن انتقاد می‌کنند (آرجو، ۲۰۰۰؛ هرمانز، ۱۹۹۹) و درمقابل، «مطالعات توصیفی انتقادی» (هرمانز، ۱۹۹۹) را مطرح کرده‌اند.

1. Holmes

2. translational norms

رویکرد توصیفی به ترجمه در دو سطح خرد و کلان صورت می‌گیرد. در سطح خرد، محقق به بررسی مقابله‌ای پیکره‌ای از متون ترجمه‌شده و متون اصلی می‌پردازد. مکتب دستکاری^۱ و مدل‌های تغییر بیان^۲ (پوپویچ، لوی، مایکو) دستاورد این رویکرد خرد به حساب می‌آیند. مطالعات نظام‌مند (اون زوهر، هرمانز) و شبکه‌ای (بوزلین، کاسکین) که تلفیقی از مطالعات فرهنگی و جامع‌شناختی در مطالعات ترجمه هستند، دستاورد رویکرد کلان می‌باشند. در رویکرد کلان یا نظام‌مند، نکته مهم توجه به تأثیرهای دوسویه خرده‌نظام‌های گوناگون جامعه بر یکدیگر است. نظریه نظام‌های چندگانه اون زوهر (۱۹۷۸، ۱۹۹۰) که از پیشگامان این رویکرد است، ترجمه را فعالیتی جدا و متنوع از سایر فعالیت‌های جامعه نمی‌داند، بلکه آن را به‌عنوان جزئی از کل نظام ادبی بررسی می‌کند. ترجمه، خود خرده‌نظامی است که روابطی پویا با دیگر خرده‌نظام‌ها دارد. توری نیز بعدها تحت تأثیر این نظریه، نظریه هنجارها را مطرح کرد (توری، ۱۹۹۵). در بخش بعد، نحوه شکل‌گیری، بنیان‌های نظری، آرای منتقدان و طرفداران این نظریه اون زوهر را بررسی می‌کنیم.

۱.۲. نظریه نظام‌های چندگانه

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، نظریه نظام‌های چندگانه یکی از سه جریانی بود که ایتمار اون زوهر آن را تحت تأثیر فرمالیست‌های روس در سال ۱۹۷۰ در مطالعات ترجمه ارائه کرد. اون زوهر با الهام از نظریات متفکرانی چون یاکوبسن^۳ و تینانوف^۴ با نگاهی نظام‌مند، به مطالعه عوامل دخیل در رشد فرهنگ در جامعه پرداخت (پیچ، ۲۰۱۰). در نگاه اون زوهر پیچیدگی فرهنگ یک جامعه را نمی‌توان ناشی از یک عامل دانست، بلکه باید ناشی از چندین عامل در نظر گرفت. اون زوهر با کاربرد مفهوم «نظام» ادعا کرد که موضوع تحقیق در مطالعات ترجمه دیگر متن نیست؛ بلکه مدل‌های فرهنگی پویایی است که در تولید پدیده‌های فرهنگی تأثیر می‌گذارند. مفهوم نظام در این نظریه برگرفته از کار صورت‌نگرایان روس است که

1. Manipulation School (Gideon Toury, André Lefevere, José Lambert, Hendr van Gorp, Theo Hermans, Bassnett, etc)

2. Translation shifts models

3. Jakobson

4. Tynayanov

ادبیات را جزئی از مجموعه‌ای می‌دانند که در آن خرده‌نظام‌های گوناگون اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... با هم در ارتباط هستند.

اون زوهر (۱۹۷۹) در قالب نظریه نظام‌های چندگانه، ابتدا به بررسی نظام ادبی و نقش ادبیات در جامعه پرداخت؛ اما پس از چرخش مطالعات ترجمه به سمت فرهنگ به مطالعات فرهنگی روی آورد و درباره روابط متقابل نظام‌های اجتماعی - فرهنگی و نقش آن‌ها در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی^۱ جامعه تحقیق کرد (بسن و لفور، ۱۹۹۰). براساس این نظریه، ادبیات جزئی از نظام اجتماعی، فرهنگی، ادبی و تاریخی تلقی می‌شود و اثر ادبی به‌عنوان جزئی از نظام ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نکته مهم در این نظریه، بهره‌گیری از مفهوم نظام است که بر پویایی و تعامل آثار ادبی باهدف دستیابی به جایگاه مرکزی نظام ادبی دلالت دارد.

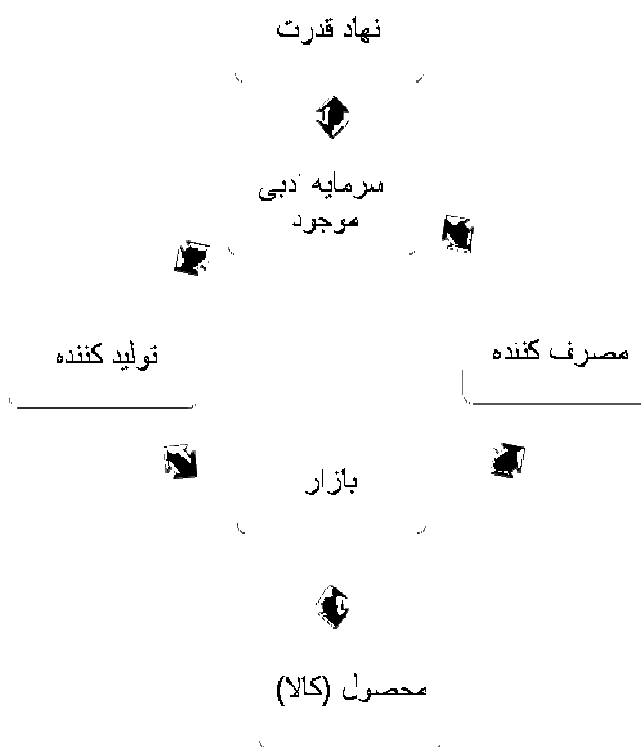
اون زوهر با بهره‌گیری از آرای فرمالیست‌ها، «رویکرد سنتی زیباشناختی» (اون زوهر، ۱۹۷۸) به آثار ادبی را رد کرد و انواع آثار ادبی را از ادبیات کودکان و نوجوان گرفته تا داستان‌های سرگرم‌کننده و ادبیات ترجمه‌شده، جزئی از نظام ادبی به حساب آورد که همواره از طریق تعاملی پویا برهم اثر می‌گذارند. به نظر وی، ادبیات ترجمه‌شده در انتخاب متون و نیز هنجارها و سیاست‌گذاری‌ها و تأثیر و تأثر از عوامل اجتماعی - فرهنگی، مانند عناصر یک نظام عمل می‌کند. شاتلورث و کووی (۱۹۹۷) نظام چندگانه را این‌گونه تعریف می‌کنند: نظام چندگانه «آمیزه‌ای ناهمگون و سلسله‌مراتبی از نظام‌هایی است که در تعامل با هم قرار می‌گیرند تا فرایند تحول مستمر را در کلیت نظام چندگانه شکل دهند» (ص. ۱۷۶). نظریه نظام‌های چندگانه اون زوهر رویکردی نظری و کاوشی توصیفی به زبان و ادبیات در بافت فرهنگی آن است. نکته تأمل برانگیز در نظریه اون زوهر توجه به ارتباط بین ادبیات با عواملی چون زبان، جامعه، اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی است (چانگ، ۲۰۰۰).

اگر چرخش فرهنگی بسنت و لفور در سال ۱۹۹۰ را نقطه عطف مطالعات فرهنگی و مطالعات ترجمه در نظر بگیریم، نظریه نظام‌های چندگانه اون زوهر دومین چرخش فرهنگی در این حوزه محسوب می‌شود که در آن، علاوه بر مسائل زبانی و فرهنگی، عوامل اجتماعی و سیاسی نیز در نظر

گرفته می‌شود. جوهره پژوهش اون زوهر تلاش در جهت فهم پوشی است که از رابطه متقابل و پیچیده نظام‌های گوناگون به وجود می‌آید (برکت، ۱۳۸۵). زمانی که ادبیات در بافت وسیع اجتماعی فرهنگی قرار گیرد، دیگر محدود به متون نمی‌شود؛ بلکه معنایی وسیع‌تر می‌یابد و مجموعه عوامل حاکم بر تولید یا اشاعه و دریافت این متون را دربر می‌گیرد (اون زوهر، ۱۹۹۰).

اون زوهر (۱۹۹۷) در مقاله خود با عنوان «عوامل و وابستگی‌های فرهنگی: نگاهی اجمالی به نظریه نظام‌های چندگانه»، با ارائه طرحی به عوامل کلان دخیل در نظام ادبی جامعه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد. در شکل زیر، ساختار کلی نظریه اون زوهر به عنوان قالبی تحقیقی در حوزه ادبیات و مطالعات فرهنگی نشان داده شده است:

شکل ۱. نمودار گرافیکی نظریه اون زوهر (اون زوهر، ۱۹۹۷)



در این شکل، عواملی چون سیاست، ایدئولوژی، اقتصاد و زبان نه به‌عنوان عواملی جداگانه، بلکه به‌عنوان جزئی از نظریه فرهنگی نظام‌های چندگانه در نظر گرفته شده‌اند؛ برای مثال، نهاد قدرت^۱ بر هنجارها و کلیت فرایند پیش، حین و بعد از تولید، نظارت و کنترل دارد. این نظارت و کنترل شامل تشویق یا توبیخ تولیدکننده و دیگر عوامل اجرایی می‌شود. این نهاد قدرت است که با اتخاذ سیاست‌گذاری‌های کلی، میزان ماندگاری یک اثر را تعیین می‌کند. این نهاد متشکل از منتقدان، خانه‌های نشر، مجله‌ها و نشریه‌ها، گروه‌های نویسندگان، مسؤولین دولتی، نهادهای آموزشی و همین‌طور رسانه‌های جمعی است. به‌عقیده نظریه‌پردازان مطالعات نظام‌مند، نهاد قدرت سازمانی یکپارچه و متحد نیست و همین چالش‌ها و تعارض‌های بین‌گروهی و بین‌فردی است که نظام ادبی را پویا نگاه می‌دارد.

عامل سرمایه‌ادبی^۲ در نظام ادبی جامعه، به قوانین و متونی اشاره دارد که از تولید تا مصرف بر روند کلی تأثیر می‌گذارند و آن را کنترل می‌کنند. از دید زبان‌شناسی سستی، سرمایه‌زبانی تلفیقی از قواعد نحوی^۳ و واژگانی^۴ زبان است. سرمایه‌ادبی مجموعه‌ای از قوانین، قواعد و دانش مشترکی است که براساس آن، اثری ادبی انتخاب و تولید می‌شود. سرمایه‌ادبی موجود در یک نظام ادبی تعیین‌کننده ارزش یک اثر نیز است. سرمایه‌ادبی در سه سطح شکل می‌گیرد: سطح بازار که مجموعه‌ای از عوامل دخیل در عرضه و تقاضای محصولات ادبی است؛ افزایش تقاضای بازار برای گونه‌ای خاص و در آخر، محصول (کالا) که برابند رفتار همه عوامل است.

برخلاف اون زوهر، چانگ^۵ سعی در نشان‌دادن پیچیدگی‌های نظام‌های چندگانه دارد. به‌عقیده وی، فعالیت‌ها و نتیجه کار مترجمان، به‌ویژه مترجمان ادبی تحت تأثیر و در کنترل هنجارهایی است که از شش خرده‌نظام عمده زیر سرچشمه می‌گیرند (چانگ، ۲۰۰۱):

۱. نظام چندگانه سیاسی: این نظام شامل نهادهای دولتی و سازمان‌هایی هستند که دیگر نظام‌ها را کنترل می‌کنند و بر آن‌ها قدرت دارند؛

1. Institution
2. Repertoire
3. Grammar
4. Lexicon
4. Chang

۲. نظام چندگانه عقیدتی (ایدئولوژیک): در این نظام، عقاید و ایدئولوژی‌های گوناگون احزاب و گروه‌های مختلف جامعه، باهم در رقابت و کشمکش هستند؛
۳. نظام چندگانه اقتصادی: هنجارها و قواعد حاکم بر این نظام، فعالیت‌های ترجمه را در قالب اصولی اقتصادی قرار می‌دهد.
۴. نظام چندگانه زبان‌شناختی: خواهان مطابقت و همسویی با هنجارهای تنوع‌زبانی است؛
۵. نظام چندگانه ادبیات: این نظام الگوهای ادبی شناخته‌شده را به مترجمان ارائه می‌دهد تا براساس این الگوهای پذیرفته‌شده ترجمه کنند؛
۶. نظام چندگانه ترجمه‌ای: قسمتی از هنجارها و قواعد این نظام، در کلاس‌های آموزش ترجمه تدریس می‌شود. رعایت اصل وفاداری و بی‌طرفی در ارائه متن اصلی در به‌اصطلاح خلأ فرهنگی قسمتی از این هنجارها است (ص. ۳۲۱).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، نظریه نظام‌های چندگانه به بررسی نظام‌مند نظام‌های گوناگون در جامعه و تأثیر آن بر ترجمه می‌پردازد. نظام‌های چندگانه هر جامعه، نظامی پویا، ناهمگون و سلسله‌مراتبی است که هرگونه تغییر و تحول زبانی در ادوار مختلف، نتیجه تفوق و برتری خرده‌نظامی بر خرده‌نظام دیگر است. در قلب و مرکز هر نظام ادبی، سرمایه موجود ادبی آن زبان که متشکل از سرمایه معتبر و متعارف آن جامعه ادبی است، قرار دارد. جهت تغییر در نظام ادبی غالباً از حاشیه به سمت مرکز نظام است.

اگرچه در ابتدا نظریه نظام‌های چندگانه، نظریه‌ای در قالب نظام ادبی جامعه بود که جایگاه ادبیات ترجمه‌شده را تحلیل و تفسیر می‌کرد (اون زوهر، ۱۹۷۸)، اما به‌تدریج اون زوهر (۱۹۹۰) تمرکزش را به سوی مطالعات فرهنگی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی معطوف کرد. به‌عقیده هرمانز (۱۹۹۹) این نخستین بار است که سیاست‌های خارجی^۱ نظام ادبی و تأثیر آن بر ادبیات ترجمه، مدنظر قرار می‌گیرد.

اون زوهر بر این باور است که هویت‌های اجتماعی جمعی افراد یک ملت، به‌طور طبیعی شکل نمی‌گیرند؛ بلکه این جنبش‌ها و اعمال فردی هستند که هویت گروه‌ها، احزاب و درنهایت، ملت را شکل

می دهند. در نتیجه، این کلی‌نگری فرهنگی در نظریه نظام‌های چندگانه، سرمایه فرهنگی^۱ جایگزین سرمایه ادبی^۲ می‌شود. افراد جامعه به سرمایه فرهنگی خود می‌بالند و این سرمایه تبدیل به عامل وحدت و انسجام^۳ در شکل‌گیری هویت جمعی^۴ یک ملت می‌شود. پس از شکل‌گیری و نهادینه‌شدن سرمایه فرهنگی، ورود سرمایه‌های فرهنگی از دیگر ملت‌ها، نوعی تهدید محسوب می‌شود و با مقاومت هویت جمعی روبه‌رو می‌گردد.

نکته مهم در نظریه فرهنگی اون زوهر تعریف وی از فرهنگ است. فرهنگ از نگاه اون زوهر کالا و نیز ابزار است. فرهنگ به‌عنوان کالا، مجموعه‌ای از کالاهای ارزشمند است که اعتبار و موقعیت اجتماعی را به‌همراه می‌آورد. علاوه‌براین، نگاه ابزاری به فرهنگ آن را مجموعه‌ای از ابزارهای اجرایی قلمداد می‌کند که نقش سازمان‌دهی زندگی فردی و جمعی افراد را ایفا می‌نماید. برخی کالاهای فرهنگی توان تبدیل شدن به ابزار فرهنگی را دارند.

در اینجا است که نقش ترجمه ادبی به‌عنوان کالای وارداتی به‌نظام ادبی فرهنگی جامعه مقصد، می‌تواند در شکل‌دهی به هویت افراد آن جامعه مؤثر باشد. البته میزان این تأثیر و تأثر به جایگاه ترجمه در نظام‌های چندگانه مقصد بستگی دارد. اون زوهر (۱۹۹۰) با پیشگامی در چرخش فرهنگی دوم مطالعات ترجمه، مفهوم و کارایی ادبیات ترجمه‌شده را بیش از پیش وسعت داد تا جایی که «دیگر، ترجمه نه پدیده‌ای محدود و ایستا، بلکه تجلی بازخورد روابط درون‌نظامی و بین‌نظامی در نظام فرهنگی جامعه» (ص. ۵۱) در نظر گرفته شد. اون زوهر با به‌کارگرفتن رویکردی توصیفی، ادبیات ترجمه‌شده را از حالت دست دوم بودن خارج کرد و به آن ارزش و اعتبار بخشید تا آنجا که آن را نظامی مستقل در نظام ادبی جامعه دانست.

اگر از بعد نظام‌های چندگانه به نظام ادبی جامعه مشخصی بنگریم، همواره با نوعی تنش پیوسته میان ادبیات مرکز نظام و حاشیه آن روبه‌رو می‌شویم که طی این تنش و پویا، همه گونه‌های متفاوت گرایش به مرکز نظام دارند. در این نظام، ادبیات تألیفی و ادبیات ترجمه‌شده خود خرده‌نظام‌هایی محسوب می‌شوند که به‌دلیل گرایش به مرکز نظام همواره در حال رقابت هستند.

1. cultural repertoire
2. literary repertoire
3. cohesion
4. collective identity

اون زوهر (۱۹۹۰) ادبیات ترجمه شده را در سه موقعیت در مرکز نظام ادبی جامعه مقصد می‌داند:

۱. در شرایطی که سبکی نوپا به واسطه ترجمه از نظام ادبی دیگری، در قالب الگویی پیش ساخته وارد نظام ادبی مقصد شود؛

۲. در شرایطی که ادبیات تألیفی ضعیف و در حاشیه باشد. در این شرایط به دلیل ضعف و ناکارآمدی ادبیات ملی، خوانندگان و طبیعتاً بازار به ادبیات ترجمه شده روی می‌آورند و ادبیات تألیفی به حاشیه رانده می‌شود؛

۳. در شرایطی که ادبیات ملی و تألیفی در بحران قرار دارند؛ به این معنا که قالب‌های پذیرفته شده^۱ و بومی، دیگر جذابیت و کارایی لازم برای پویایی نظام ادبی را نداشته باشند. در این شرایط، نیاز به وارد کردن ایده‌ها و الگوهای جدید، ادبیات ترجمه شده را در جایگاه مرکزی قرار می‌دهد.

در این مقاله می‌کوشیم تا براساس نظریه اون زوهر (۱۹۹۰) رشد کمی ادبیات ترجمه شده را در مقایسه با ادبیات تألیفی در ده سال اخیر بررسی کنیم. شایان ذکر است که در این مقاله فقط به بررسی آثار ترجمه شده و تألیفی در حوزه ادبیات داستانی می‌پردازیم.

۲. مروری بر روند پیدایش و تکامل رمان ادبی در نظام چندگانه ادبی ایران

کریستف بالایی (۱۹۹۷) رشد و شکوفایی رمان و ادبیات داستانی اروپا را نتیجه پیشرفت‌های چشمگیر علمی و صنعتی می‌داند. این در حالی است که در ایران غالباً مترجمان بر آن بودند تا با ترجمه رشد و پیشرفت را برای جامعه به همراه آورند. ادبیات داستانی، خاصه رمان که روایتگر زندگی فرد در متن ماجراهای اجتماعی است، گذشته از شکل‌های جدید ادبی مفاهیم تازه‌ای را با خود به همراه می‌آورد. مبدعان رمان فارسی یا ایرانیان خارج از کشور بودند که تحت تأثیر فضای ادبی غرب می‌نوشتند و با مترجمانی بودند که با مقدمه‌هایی که بر این آثار می‌نوشتند، نقش مهمی در وارد کردن مفهوم رمان و معرفی آن به نظام ادبی ایران ایفا کردند (میرعابدینی، ۱۳۸۰).

اگر سیر تحول و تکامل ادبیات در ایران را پس از انقلاب مشروطه (در ابتدای قرن بیستم) دنبال کنیم، رمان در حوزه تألیف و نیز ترجمه، وسیله‌ای برای سرگرمی نیست؛ بلکه آغازگر حرکتی فکری و تکاملی

1. canonized

است که تحول نظام‌های سیاسی و فرهنگی را به دنبال داشت. در این بین، ترجمه با وارد کردن اصول و الگوهای نوین و اروپایی^۱ از مهم‌ترین پشتوانه‌های فکری و ایدئولوژیک روشنفکران آن دوران بود؛ روشنفکرانی که به نوعی ترجمه‌ای می‌اندیشیدند و ترجمه‌ای عمل می‌کردند؛ آنان که با تکیه بر نوشتن و ترجمه کردن خواهان اصلاح طلبی و انقلاب در نظام سیاسی و طبیعتاً نظام‌های فرهنگی-اجتماعی بودند. لمبرت^۲ یکی از نظریه‌پردازان و طرفداران نظام‌های چندگانه، بر این باور است که نظام چندگانه ادبی تحت تأثیر عمل متحده سه عامل تولید، سنت و واردات همواره دگرگون می‌شود. بالایی (۱۳۷۷) با اشاره به تأثیر ترجمه در دگرگونی ادبیات نوین ایران می‌افزاید: «در ادبیات نوین فارسی، تحت تأثیر ترجمه و سپس پیدایش تولید ادبی جدید و آنگاه به علت بینش جدید درباره ترجمه، هنگامی که تولید اهمیت پیدا می‌کند، پیاپی تغییراتی در نظم سنتی مشاهده می‌گردد» (ص. ۱۲۶).

در ابتدای قرن بیستم، به دلیل ترجمه و وارد کردن آثار اروپایی جایگاه رمان و ادبیات داستانی پیشرفت چشمگیری در جامعه ایران داشت؛ به طوری که به اعتقاد بالایی سه رمان امیرارسلان، کتاب احمد و سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ نمادی از سه قشر آن روزگار بودند: اول، درباریان و جامعه روبرو به انحطاط آنان (امیر ارسلان)؛ دوم، مخالفین، فعالان سیاسی و دموکرات‌های آزادی‌خواه که سودای انقلاب و انتقاد از جامعه و سیاست را در سر داشتند (سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ) و در آخر، دانشمندان و معلمان که کتاب احمد را ابزاری برای تعلیم و تربیت و آموزش اجتماعی یافتند. از آن زمان تا اکنون، ترجمه ادبی در ایران همواره با افت و خیز همراه بوده است؛ اما همچنان جایگاه مرکزی خود را حفظ کرده است. به بیانی کلی‌تر، ترجمه مبنای بسیاری از تحقیق‌های فلسفی، تأملات فرهنگی، فعالیت‌های اجتماعی و برنامه‌های سیاسی ایران در سرتاسر سده بیستم قرار گرفته است. ترجمه، ابزار اصلی آشناسازی ایرانیان با اندیشه‌های نو، مکاتب فکری و روندهای ادبی و نیز از مؤلفه‌های لازم حرکت به سوی تجددگرایی بوده است؛ در نتیجه، در تاریخ زبان فارسی، ترجمه با اشتیاق و جدیتی بی‌سابقه دنبال شده است؛ اما با این حال بازار ترجمه هنوز بازاری آشفته است.

۱. در آن زمان، ترجمه عمدتاً از زبان‌های اروپایی به ویژه فرانسه صورت می‌گرفت.

میرعابدینی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «سیر تاریخی ترجمه داستان و تأثیر آن بر ادبیات ملی» که آن را در نخستین همایش ترجمه ادبی ارائه کرد، سیر تحول ترجمه ادبیات داستانی را در چهار دوره تاریخی - فرهنگی مطالعه قرار می‌کند: از مشروطیت تا ۱۳۲۰؛ از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲؛ از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ و از ۱۳۵۷ تا امروز (۱۳۷۹).

از بهترین ترجمه‌های دوره نخست می‌توان از سرگذشت حاجی بابا اصفهانی اثر جیمز موریه (۱۸۲۸) و ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، *تلو مغربی* از شکسپیر و ترجمه ابوالقاسم ناصرالملک فراگزلو و طیب جباری اثر مولیر و ترجمه اعتمادالسلطنه نام برد. میرعابدینی تأثیر مهم ترجمه‌های دوره نخست بر ادبیات ملی را در دو مورد خلاصه می‌کند: ساده‌کردن نثر یا به‌گفته جمال‌زاده (۱۳۰۰) دموکراسی ادبی و نیز آشناکردن ایرانیان با شکل ادبی نوینی به‌نام رمان.

در دوره دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲)، دو گرایش عمده داستان نویسی که یکی متعهد به مسلک اجتماعی و دیگری متعهد به ساختار ادبی بود، وجود داشت. در این دوره، ترجمه به رشد داستان نویسی ایران کمک کرد. در کنار مضمون‌های نوینی که به ادبیات ملی راه یافت، ترجمه مسائل نظری درباره ادبیات سبب وسعت دید نویسندگان ایرانی شد.

در دوره سوم (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷)، پس از تحولات سیاسی - اجتماعی کودتای ۲۸ مرداد، ترجمه رمان رونق یافت. در این دوره، ترجمه برخلاف دوره قبل محدود به تعهدات مکتبی و حزبی نبود؛ بلکه وسیله‌ای برای پرکردن اوقات فراغت مردم شد. در این دوره، شاهد ظهور زبان ترجمه‌شده بودیم؛ زبانی که مشخصه آن ترکیب‌های بیگانه و عبارت‌های ناهنجار و گاهی نامفهوم بود. تأثیر این زبان ترجمه‌شده بر ادبیات ملی ما تألیف داستان‌ها و سرودن اشعاری است که ابهام و گسیختگی مطلب از ویژگی‌های بارز آن است.

دوره چهارمی (۱۳۵۷ تا امروز) که میرعابدینی به آن می‌پردازد، باتوجه به تاریخ انتشار مقاله که ۱۳۸۰ است، یک سال پیش از بازه زمانی‌ای است که در این تحقیق به آن می‌پردازیم؛ یعنی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹. پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و به‌دنبال آن انقلاب فرهنگی سال ۱۳۵۸، ایران سیاست‌گذاری‌های جدیدی را در عرصه فرهنگ و به‌ویژه ادبیات تجربه کرد. ویژگی بارز این دوره تنوع و فراوانی آثار ترجمه‌شده است. در این دوره، «فضای ادبی، فضای گونه‌گونی‌ها و حرکت از تقابل‌ها و

دوگانه دیدن‌های پیشین به‌سوی کثرت‌گرایی ادبی است» (میرعابدینی، ۱۳۸۰، ص. ۲۶۸). به‌طور کلی، تأثیر ترجمه بر ادبیات بومی کوتاه مدت و نیز بلندمدت است. کوتاه‌مدت از آن جهت که نویسندگان با تقلید از فرم و مضمون آثار ترجمه‌شده، رمان‌ها و داستان‌های فارسی را می‌نگارند؛ اما ترجمه آثار برتر ادبی تأثیر درازمدتی نیز دارد که از آن با عنوان «تأثیرپذیری خلاق» (میرعابدینی، ۱۳۸۰، ص. ۲۶۸) یاد می‌کنند؛ به این معنا که ادبیات به‌تدریج ذهن نویسندگان و نظام ادبی را از درون تغییر می‌دهد.

۳. نگاهی توصیفی به نظام چندگانه ادبی کشور

در این تحقیق، پس از مشورت با صاحب‌نظران و مسئولان امر، آماری را که سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران درباره انتشار کتاب ارائه می‌کند، در مقایسه با سایر مراجع و سازمان‌ها دقیق‌تر یاقیم و آن را اساس پژوهش خود قرار دادیم. یکی از مهم‌ترین دلایل انتخاب سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و درستی آمار و ارقام ارائه‌شده توسط این سازمان، قانونی است که همه ناشران و متولیان نشر کشور را ملزم می‌کند تا نسخه‌ای از اثر خود را به این سازمان ارائه کنند. طبق تعریف، قانون واسپاری^۱ مصوبه‌ای قانونی است که به‌موجب آن افراد حقیقی یا حقوقی که اثری را در نسخه‌های متعدد به‌صورت عمومی منتشر کرده‌اند، موظف هستند که یک یا بیش از یک نسخه آن را به مؤسسه‌های ملی واسپاری نظیر کتابخانه ملی تحویل دهند. این الزام قانونی گامی مثبت در راستای شکل‌گیری ابزاری کارآمد باهدف گردآوری و تکمیل مجموعه میراث فرهنگی و ملی کشور می‌باشد و امید است با همکاری متولیان و نظارت مسئولین امر، دست‌یافتن به آمار دقیق و کامل در حوزه نشر ممکن شود. با توجه به اهمیت موضوع، براساس میزان چاپ و نشر کتاب در حوزه ادبیات داستانی، چند ناشر برتر ادبی را انتخاب کردیم. پس از توضیح کامل موضوع تحقیق و اهمیت آمار و ارقام ارائه‌شده، درباره میزان درستی و کامل بودن آمار سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران از آن ناشران سؤال کردیم که آن‌ها این مطلب را کاملاً تأیید کردند. در جریان تحقیق، با آثاری روبه‌رو شدیم که چندبار در طول یک سال ثبت شده‌اند؛ اما با توجه به حجم زیاد آن آثار، تعداد آن‌ها به‌هیچ‌وجه اثری در آمار کلی نداشته است.

برای جمع‌آوری داده‌ها، در نخستین گام، با مراجعه به سایت رسمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، در قسمت جست‌وجوی پیشرفته، موضوع موردنظر را مشخص کردیم. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در حوزه ادبیات داستانی است، با مشاوره کارشناسان کتابداری و سازمان مربوطه دریافتیم که کتاب‌های این حوزه با برچسب موضوعی *داستان‌های وارد* بانک اطلاعاتی سایت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می‌شود؛ در نتیجه، در قسمت موضوع عبارت *داستان‌های* درج شد. برای لحاظ دقت هرچه بیشتر، آمار به تفکیک سال جست‌وجو شد.

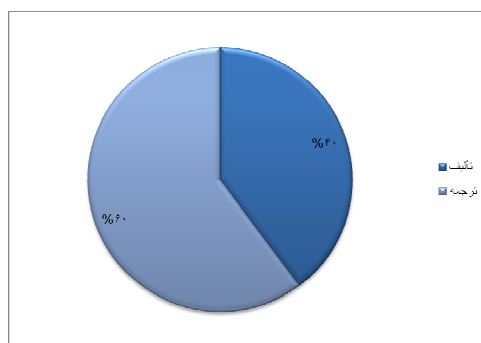
پس از مشخص شدن آمار همه کتاب‌های منتشرشده، در گام دوم با بسط جست‌وجو و افزودن واژه فارسی، آمار کتاب‌های تألیفی معین گردید. در گام سوم، با کم کردن آمار کتاب‌های تألیفی از آمار کل کتاب‌های منتشرشده در آن سال، کتاب‌های ترجمه‌شده و غیرفارسی مشخص شدند.

۳.۱. مقایسه کمی آمار تألیف و ترجمه: بررسی مقابله‌ای در چارچوب نظام‌های چندگانه

پس از احتساب آمار و ارقام دقیق و بررسی مقابله‌ای این دو خرده‌نظام (نظام ادبی تألیفی و نظام ادبی ترجمه)، نتایج کمی مقایسه‌ای در طول ۱۰ سال اخیر را با هدف شفاف‌سازی آماری در تحلیل و تبیین دقیق‌تر، در قالب نموداری گرافیک ارائه می‌دهیم.

همان‌طور که در شکل (۲) مشاهده می‌شود، آمار کتاب‌های ترجمه شده، ۶۰٪ از کل آمار کتاب‌های منتشرشده در حوزه ادبیات داستانی و البته طی ۱۰ سال اخیر را به‌خود اختصاص می‌دهد:

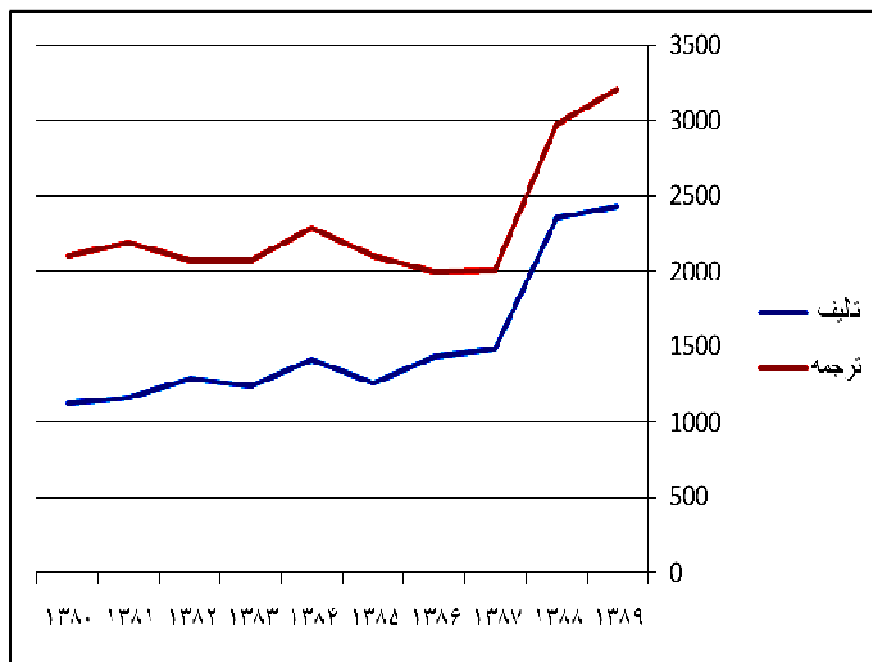
شکل ۲. آمار کل کتاب‌های ترجمه‌شده و تألیفی در دهه ۱۳۸۰



نکته درخور توجه در این آمار، اصل ارزش‌گذاری برابر برای همه انواع ادبی است که این اصل، از اصول اساسی نظریه نظام‌های چندگانه اون زوهر است. در این پژوهش نیز تمامی انواع ادبی اعم از رمان، مجموعه داستان و داستان کوتاه لحاظ شده است. همان‌طور که در شکل (۲) نیز مشخص است، در دهه ۱۳۸۰، جایگاه مرکزی نظام ادبی جامعه ایران در اختیار ادبیات ترجمه شده بوده است. البته این مرکز و محور بودن در طول ۱۰ سال گذشته همواره افت‌وخیزهایی داشته است که در بخش‌های آینده به آن خواهیم پرداخت.

نمودار گرافیک زیر با مقایسه آمار نشر کتاب در ۱۰ سال اخیر، سیر مقابله‌ای تالیف و ترجمه را در حوزه ادبیات داستانی نشان می‌دهد. براساس شکل زیر، ترجمه در طول ۱۰ سال همیشه جایگاه مرکزی داشته و به مقدار درخور توجهی از میزان تالیف بیشتر بوده است.

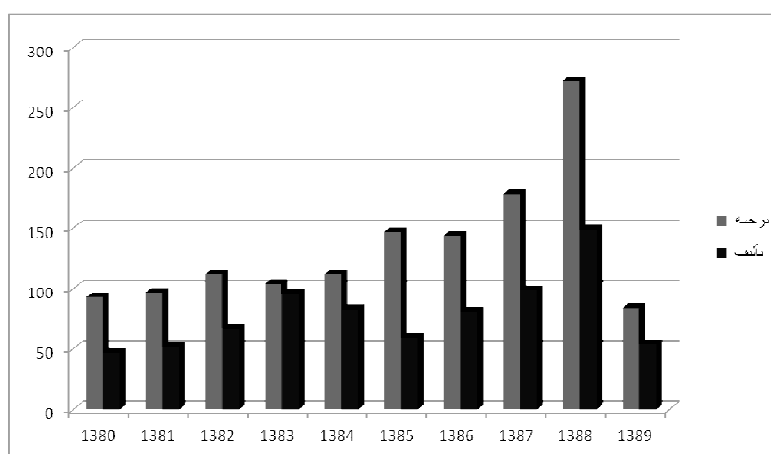
شکل ۳. نمودار مقایسه کمی حجم آثار تالیفی و ترجمه‌شده در حوزه ادبیات داستانی طی ۱۰ سال اخیر



برای دسترسی به آماری دقیق‌تر و مقایسه آن با سیر کلی ترجمه و تألیف در کشور، با مشاوره با صاحب‌نظران، ۹ ناشر برتر ادبی را انتخاب کردیم: نشر افق، ققنوس، نیلوفر، کاروان، نشر مرکز، نشر چشمه، قطره، مروارید و روشنگران^(۱). پس از انتخاب این ناشران، برای کسب اطلاعات دقیق‌تر درباره تعداد آثار چاپ‌شده و تألیفی با آنها تماس گرفته شد. به دلایل گوناگون، متأسفانه ناشران آمار دقیق و کاملی از کار خود نداشتند و آمار کتابخانه ملی را تأیید کردند.

با روشی که پیش‌تر ارائه شد، آمار ناشران را به تفکیک سال‌های مختلف به‌دست آوردیم. برای مقایسه بهتر، نتیجه تحقیق در قالب نموداری میله‌ای ارائه می‌شود:

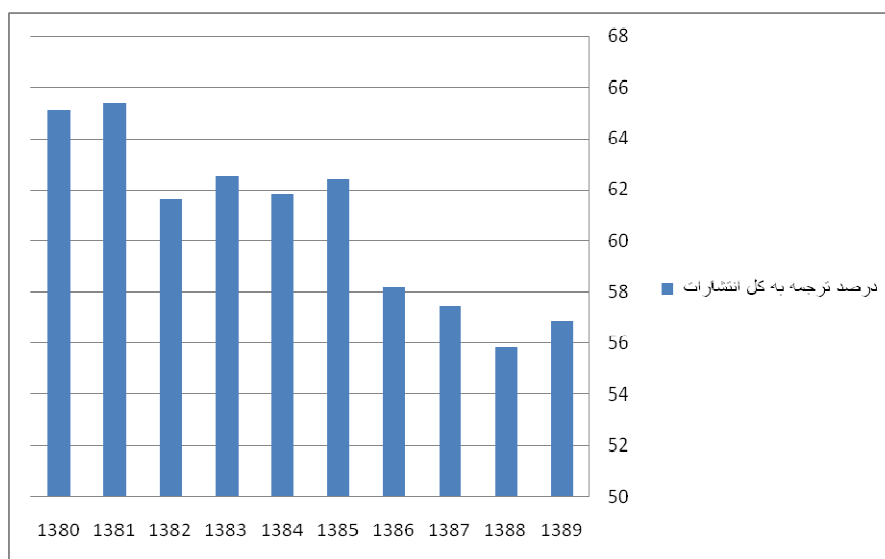
شکل ۴. مقایسه کمی آثار ترجمه‌شده و تألیفی ناشران منتخب در دهه ۱۳۸۰



همان‌گونه که در شکل مشخص است، برترین ناشران ادبی کشور نیز ادبیات ترجمه‌شده را بیشتر از ادبیات بومی و تألیفی چاپ می‌کنند. البته براساس نمودار مقابله‌ای بالا، در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ میزان ترجمه و تألیف به‌طور درخور توجهی به هم نزدیک شده‌اند که با افت قابل توجه آثار تألیفی در سال ۱۳۸۵، نظام ادبی کشور هنوز نتوانسته است تجربه همگرایی دو خرده‌نظام تألیف و ترجمه را تکرار کند. طبق آنچه پیش‌تر اشاره شد، خرده‌نظام ترجمه و به‌ویژه ترجمه ادبی به‌عنوان کالای فرهنگی وارداتی، همواره تحت تأثیر مستقیم نظام سیاسی - فرهنگی و ایدئولوژی غالب است.

در طول ده سال اخیر، در سال ۱۳۸۴، با روی کار آمدن دولتی جدید، شاهد تغییر محسوسی در عرصه سیاست‌گذاری‌های کلان کشور بودیم. با توجه به ارتباط نظام‌مند نظام‌ها و خرده‌نظام‌ها، تغییر نگرش و سیاست‌گذاری نظام سیاسی - فرهنگی، منجر به تغییر در میزان مبادلات خارجی می‌شود که در نمودار زیر نیز مشهود است:

شکل ۵. درصد کتاب‌های ترجمه‌شده به کل کتاب‌های منتشر شده در حوزه ادبیات داستانی در دهه ۱۳۸۰



از ابتدای دهه ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۴، سیاست خارجی کشور رابطه دوستانه با دیگر کشورها را در سرلوحه امور خود داشت و از آنجایی که سیاست خارجی هر کشور ریشه در نحوه نگرش آن به جهان دارد، این طرز تفکر بسیاری از نظام‌ها و خرده‌نظام‌ها از جمله نظام ادبی کشور را تحت تأثیر قرار داد. همان‌طور که در شکل (۵) می‌بینیم، تا سال ۱۳۸۴ و حتی یک سال پس از آن، آمار چاپ ترجمه رمان و به‌طور کلی ادبیات داستانی، به میزان درخور توجهی بیش از آثار تالیفی در این حوزه است. این در حالی است که با روی کار آمدن دولت جدید، هر چند چاپ آثار ادبی از نظر کمی رشد درخور ملاحظه‌ای دارد؛ اما ترجمه افت کرده است. البته با در نظر گرفتن این موضوع که

سیاست‌گذاری‌های کلان نظام غالباً به‌سوی بومی‌سازی متمایل است، این سیر تحول و توجه به ادبیات تألیفی تاحدودی توجیه‌پذیر است.

۳. ۲. نگاهی به ارتباط بین خرده‌نظام ترجمه و خرده‌نظام تألیف

در نظریه اون زوهر سه فرضیه اصلی درباره ادبیات ترجمه‌شده مطرح است. فرضیه اول که شالوده نگاه نظام‌مند به ادبیات ترجمه‌شده را تشکیل می‌دهد، این نوع ادبیات را خرده‌نظامی می‌بیند که با دیگر خرده‌نظام‌ها در ارتباط متقابل است. درباره این فرضیه میان محققان اختلاف‌نظر کمتری وجود دارد. برعکس، با گسترش روزافزون مطالعات فرهنگی، محققان روزبه‌روز بیشتر به ماهیت ادبیات و ادبیات ترجمه‌شده پی می‌برند و نقش عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی و دیگر خرده‌نظام‌های موجود در جامعه را در تعیین کم و کیف آن بهتر درک می‌کنند. در ایران نیز رشد و انحطاط ادبیات تألیفی و ترجمه‌شده، هیچ‌گاه بدون تأثیرهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نبوده است؛ اما تاکنون در این باره تحقیق جامعی نشده است و اگر تحقیقی شده است، ادبیات یا ادبیات ترجمه‌شده را جدا از عوامل دخیل در آن بررسی کرده است؛ حال آنکه طبق نظر اون زوهر ادبیات ترجمه‌شده آثاری وابسته به نظام چندگانه ادبی موجود در یک کشور به حساب می‌آید و نه متونی خارجی و بی‌ارتباط با عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجود در جامعه.

براساس فرضیه دوم، متون ترجمه‌شده در نظام چندگانه ادبی هر کشور جایگاه حاشیه‌ای دارند؛ اما در شرایط سه‌گانه زیر به جایگاه مرکزی ارتقاء می‌یابند: در شرایطی که ادبیات ملی «جوان» است؛ در شرایطی که ادبیات ملی «ضعیف» یا «در حاشیه» است (یک نمونه از ادبیات در حاشیه ادبیات اقلیت‌های نژادی و مذهبی و قومی است که ادبیات قومی‌شان تحت سیطره نظام حاکم بر کشور به حاشیه رانده شده است). و در شرایطی که در ادبیات ملی یک کشور خلأ ادبی یا بحران یا نقطه عطف وجود دارد. با این فرضیه دوم اون زوهر برخی از صاحب‌نظران ترجمه همچون بسنت^۱ مخالفت کرده‌اند. وی می‌گوید:

امروزه این عبارت تاحدی خام به‌نظر می‌رسد. اینکه بگوییم ادبیات یک ملت حاشیه‌ای یا ضعیف است، به چه معنا است؟ این تعبیرات، تعبیراتی ارزشی هستند و مشکلات متعددی برای محقق ایجاد

می‌کنند. آیا می‌توان گفت که ادبیات فنلاند یا ایتالیا ضعیف است؛ چون در این دو کشور ترجمه زیاد صورت می‌گیرد؟ برعکس، آیا می‌توان گفت انگلستان از حیث ادبیات قدرتمند است؛ چون در این کشور حجم ترجمه بسیار کم است؟ آیا این معیارها ادبی هستند یا سیاسی؟ (بسن، ۱۹۹۸، ص. ۱۲۷)

به عقیده چانگ (۲۰۱۱)، واژه‌های «حاشیه‌ای»، «جوان» و «ضعیف» مستلزم داوری ارزشی درباره ادبیات ملی کشورها نیستند و اساساً در نظر اوان زوهر واژه‌هایی خشی هستند؛ زیرا، این واژه‌ها در قیاس با دیگر کشورها به کار نمی‌روند؛ بلکه در محدوده نظام چندگانه ادبی یک کشور وضعیت هر کشور را تبیین می‌کنند. این واژه‌ها بیانگر این حقیقت هستند که آنچه در نظام ادبی یک کشور تولید می‌شود، پاسخ‌گوی نیاز نیست و بنابراین، نظام ادبی به نظام خارجی متوسل می‌شود تا نیاز خود را برآورده کند. با این وجود، چانگ می‌پذیرد که در انتخاب این واژه‌ها باید دقت بیشتری صورت می‌گرفت.

اکنون با توجه به اینکه در ایران در دهه ۱۳۸۰، میزان ادبیات ترجمه‌شده نسبت به ادبیات تألیفی بیشتر بوده است، به صورت کمی و عینی می‌توان ادعا کرد که ادبیات ترجمه‌شده در نظام چندگانه ادبی در ایران، جایگاه مرکزی دارد و ادبیات تألیفی جایگاه حاشیه‌ای؛ اما این ادعا را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟

درست است که ادبیات ایران را نمی‌توان ضعیف دانست؛ زیرا ایران به‌ویژه در قرون پس از اسلام صاحب ادبیاتی غنی بوده است؛ اما واقعیت این است که درخشش ایران در ادبیات بیشتر در حوزه شعر بوده است تا نثر. همان‌طور که کریستف بالایی (۱۳۷۷) نشان می‌دهد، اساساً قبل از ورود ترجمه به عرصه ادبی ایران در دوران قاجار، شعر در جایگاه مرکزی نظام چندگانه ادبی بوده است و مقام دوم در این نظام چندگانه به نثری اختصاص داشته که ویژگی‌های شعری داشته است؛ نه آن نثری که امروزه ما آن را با عنوان «نثر توضیحی» می‌شناسیم. این نوع نثر که ارزش ادبی چندانی برای آن قائل نبوده‌اند، در حاشیه نظام ادبی قرار داشته است؛ بنابراین، می‌توان گفت که نظام ادبی ایران هنگام مواجه شدن با نظام ادبی غرب، نه از نظر سابقه ادبی، بلکه از حیث تنوع صورت‌های ادبی ضعیف بوده است. طبیعتاً آنچه وجود داشته است، پاسخ‌گوی نیاز نسلی که خود را مواجه با دنیای غرب می‌دیده، نبوده است و مترجمان به تشخیص خود و نیز به ضرورت بازار، به متون خارجی روی می‌آورده‌اند و آن‌ها را ترجمه می‌کرده‌اند؛ در نتیجه، از حیث تنوع صورت‌های ادبی می‌توان گفت که ادبیات ملی، ضعیف بوده است. البته تا پیش از عصر قاجار خلائی

در نظام ادبی وجود نداشته است؛ زیرا، کسی ضرورتی برای انواع صورت‌های ادبی حس نمی‌کرده است. وجود خلأ زمانی احساس می‌شود که ما ادبیات خود را با ادبیات کشورهای دیگر مقایسه می‌کنیم. اما اکنون از ورود ترجمه ادبی به ایران بیش از یکصد و پنجاه سال می‌گذرد و حجم ادبیاتی که ترجمه می‌کنیم، همچنان از حجم تألیف‌های ادبی مان بیشتر است. علت چیست؟ به‌گمان نگارندگان، نظام ادبی ما دچار بحران است؛ زیرا، برتری ترجمه ادبی نسبت به تألیف ادبی همچنان تداوم دارد. در این بحران بی‌تردید عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نقش دارند؛ اما شاید مهم‌ترین عامل این بحران *مداوم* سیاست باشد. تعبیر *بحران مداوم* در نظام ادبی ایران را از یک جهت می‌توان به تعبیر *درحال توسعه* شبیه دانست. به‌نظر می‌رسد که برخی کشورها همیشه *درحال توسعه* اند و هیچ‌گاه توسعه نمی‌یابند.

ادبیات ملی و ادبیات ترجمه‌شده برای نوشته‌شدن و عرضه شدن از امتیاز یکسانی برخوردار نیستند؛ از این رو، طبیعی است که ناشران به ادبیات ترجمه‌شده بیشتر التفات می‌کنند؛ زیرا، کم‌خطرتر و فراوان‌تر است. افزون‌براین، هنگامی که ادبیات ترجمه‌شده، فراوان در اختیار خواننده قرار می‌گیرد، ذائقه او را شکل می‌دهد و خواننده بیشتر به ادبیات ترجمه‌شده راغب می‌شود تا ادبیات تألیفی. در وضعیتی که تولید ادبیات ملی با مشکل روبه‌رو است، ادبیات ملی کمتر نوشته می‌شود و یا حتی گاه ادبیات به نام ترجمه منتشر می‌شود؛ پدیده‌ای که در تاریخ معاصر ادبی ایران بی‌سابقه نبوده است.

البته ساده‌انگاری است اگر سیاست را تنها عامل عقب‌نگاه‌داشته‌شدن ادبیات ملی بدانیم. ادبیات ملی ما بی‌تأثیر از روحیه روشن‌فکران و اهل قلم و میل آن‌ها به ترجمه ادبی به‌مثابه دیگری نبوده است. حتی شاید چنین گرایشی را نتوان به قشر خاص روشن‌فکر و اهل قلم محدود کرد و شاید تمایل به دیگری را بتوان از خصلت‌های ایرانیان دانست. بی‌تردید بسیاری از کشورها خود را در مقایسه با ادبیات خارج از مرزهای خود ضعیف‌تر احساس می‌کنند؛ اما همه کشورها برخوردار یکسانی با این پدیده ندارند. درهرحال، درباره این مسئله باید از منظر مطالعات فرهنگی و به‌تفصیل بحث کرد تا سهم هریک از عوامل چندگانه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در به‌وجودآمدن نظام چندگانه ادبی مشخص شود. تا زمانی که خواننده و ناشر به‌اختیار یا به‌اجبار، ترجمه ادبی را بر

تألیف ادبی ترجیح می‌دهند، دچار بحران هستیم؛ بنابراین، با تعبیرهای اون زوهر می‌توان وضعیت نظام ادبی ایران را در قیاس با ترجمه به‌خوبی تفسیر کرد.

بنابر فرضیه سوم اون زوهر، هنگامی که ادبیات ترجمه‌شده درحاشیه قرار دارد، سبکی که مترجم برای ترجمه برمی‌گزیند، متمایل به زبان متن اصلی است تا زبان مقصد. این فرضیه اون زوهر از موضوع بحث ما خارج است و بررسی درستی یا نادرستی آن پژوهشی گسترده را می‌طلبد.

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله در پی یافتن پاسخی برای این سؤال بودیم که از حیث کمی، وضعیت ترجمه ادبی در ایران نسبت به تألیف ادبی (در حوزه ادبیات داستانی)، در دهه ۱۳۸۰ چگونه بوده است. دلایل طرح این سؤال رابطه‌ای است که ترجمه‌شناسان به‌ویژه اون زوهر میان ترجمه ادبی و تألیف ادبی قائل می‌شوند؛ بنابراین، در چارچوب نظریه‌ای که اون زوهر مطرح کرده است، ترجمه‌ها و تألیف‌های ادبی منتشرشده در دهه ۱۳۸۰ در ایران را از نظر کمی مقایسه کردیم و به این نتیجه دست یافتیم که در این دهه تعداد ترجمه‌های منتشرشده، به میزان درخور ملاحظه‌ای بیش از تألیف بوده‌اند. نتیجه این پژوهش ادعای ثابت‌نشده را که ترجمه ادبی در ایران پیوسته جایگاه بالاتر از تألیف ادبی داشته است، ثابت می‌کند.

پس از اثبات این ادعا، این پرسش مطرح می‌شود که چرا ترجمه ادبی از حیث کمی برتر از تألیف بوده است. در پاسخ به این سؤال و با استفاده از تعبیرهای اون زوهر گفتیم که ادبیات تألیفی ما در دوره‌ای بحرانی به سر می‌برد؛ دوره‌ای که از آغاز رویارویی با ترجمه آغاز شده است و همچنان ادامه دارد و ظاهراً پایانی برای آن نمی‌توان تصور کرد. به‌گمان ما، عوامل این بحران عمدتاً سیاسی و فرهنگی هستند. در این مقاله، هدف اصلی بررسی کمی وضعیت ترجمه ادبی نسبت به تألیف ادبی بوده است. بدیهی است که بررسی کیفی؛ یعنی بررسی عوامل برتری ترجمه ادبی نسبت به تألیف ادبی و تأثیر آن بر دیگر خرده‌نظام‌های جامعه (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ...) به تحقیق گسترده‌ای نیاز دارد. با این حال، آنچه گفته شد، می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به این بحث کیفی باشد.

یادداشت‌ها

۱. ناشران منتخب، برترین ناشران ادبی کشور به لحاظ کمی و کیفی هستند. متأسفانه با وجود پیگیری‌های مستمر، تنها آمار مورد تأیید ناشران و نیز معاونت نشر وزارت فرهنگ و ارشاد به عنوان متولی امر، سایت خانه کتاب معرفی شد که به دلیل فقدان تفکیک ترجمه و تألیف و نیز رعایت یکدستی آمار در این تحقیق، آمار کتابخانه ملی مبنای کار قرار گرفت. امید است با عنایت به اهمیت موضوع، در آینده شاهد آمار به مراتب کامل تری از نشر کتاب باشیم.

کتابنامه

- بالایی، ک. (۱۳۷۷). *پیدایش رمان فارسی*. (م. قدیمی و ن. خطاط، مترجم). تهران: انتشارات معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- برکت، ب. (۱۳۸۵). ادبیات و نظریه نظام چندگانه: نقش اجتماعی نوشتار. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۸، صص. ۸۲-۹۷.
- جمال‌زاده، م. (۱۳۰۰). یکی بود یکی نبود. انتشارات برلین.
- میرعابدینی، ح. (۱۳۸۰). سیر تاریخی ترجمه داستان و تأثیر آن بر ادبیات ملی. (ع. خزاعی فرید، گردآورنده). مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران (صص. ۲۶۸-۲۵۹). مشهد: بنفشه.
- Bassnett, S. (1998). The translation turn in cultural studies. In S. Bassnett and A. Lefevere (Eds.), *Constructing cultures: Essays on literary translation* (pp.123-140). Clevedon: Multilingual Matters.
- Bassnett, S., & Lefevere, A. (Eds.) (1990). *Translation, history and culture*. London and New York: Pinter.
- Brownlie, S. (2008). Descriptive vs. committed approaches. In M. Baker and G. Saldanha (Eds.), *Routledge encyclopedia of translation studies* (pp. 77-81). London & New York: Routledge.
- Chang, N. F. (2011). In defense of polysystem theory. *Target*, 23(2), 311-347.
- Chesterman, A., & Arrojo, R. (2000). Shared ground in translation studies. *Target*, 12(1), 151-160.
- Chang, N. F. (2001). Polysystem theory: Its prospects as a framework for translation research. *Target*, 13(2), 317-332.
- Chang, N. F. (2000). Towards a macro-polysystem hypothesis. *Perspectives: Studies in Translatology*, 8 (2), 109-123.
- Cronin, M. (2006). *Translation and identity*. London & New York: Routledge.

- Ellis, R., & Brown, L. O. (Eds.) (2001). *Translation and nation: Towards a cultural poetics of Englishness*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Even-Zohar, I. (2008). Culture planning, cohesion, and the making and maintenance of entities. In A. Pym, M. Shlesinger & D. Simeoni (Eds.), *Beyond descriptive translation studies: Investigations in homage to Gideon Toury* (pp. 277–292). Amsterdam / Philadelphia: John Benjamins.
- Even-Zohar, I. (1990). *Polysystem studies*. Tel Aviv: Porter Institute of Poetics and Semiotics.
- Even-Zohar, I. (1978/2000). The position of translated literature within the literary polysystem, In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (pp. 192-7). London & New York: Routledge.
- Hermans, T. (1999). *Translation in systems: descriptive and system-oriented approaches explained*. Manchester: St. Jerome.
- Holmes, J. S. (1988/2000). The name and nature of translation studies. In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (pp. 172-85). London & New York: Routledge.
- Morier, J. (1828). *The Adventures of Hajji Baba in England* (2 Vols.). London: John Murray.
- Pym, A. (2010). *Exploring translation theories*. London & New York: Routledge.
- Toury, G. (1995). *Descriptive translation studies and beyond*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
- Venuti, L. (Ed.) (1992). *Rethinking translation: discourse, subjectivity, ideology*. London & New York: Routledge.
- Wolf, M., & Fukari, A. (Eds.) (2007). *Constructing a sociology of translation*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.